



دین حداقلی میراث سکولاریسم مسیحی است / اثبات جامعیت حداکثری اسلام

نظریه جامعیت حداقلی اسلام، از سوی پاره‌ای از روشنفکران سکولار معاصر مطرح گردید. این طایفه، میراث‌خوار سکولاریزم در جهان مسیحیت‌اند که نظریه حداقلی را بر قرآن و سنت تحمیل کرده‌اند.

نظریه جامعیت حداقلی اسلام، از سوی پاره‌ای از روشنفکران سکولار معاصر مطرح گردید. این طایفه، میراث‌خوار سکولاریزم در جهان مسیحیت‌اند که نظریه حداقلی را بر قرآن و سنت تحمیل کرده‌اند.

به گزارش خبرنگار مهر، متن پیش رو به قلم حجت الاسلام خسروپناه، رئیس موسسه آموزشی و پژوهشی حکمت و فلسفه ایران است که از جلد سوم کتاب کلام نوین اسلامی در کانال تلگرامی شخصی وی منتشر شده است؛

دیدگاه‌های مختلفی پیرامون جامعیت اسلام، از جمله: دیدگاه جامعیت حداکثری، جامعیت حداقلی و جامعیت اعتدالی اسلام با تبیین‌های گوناگون بیان شده است. دیدگاه جامعیت حداکثری بر این باور است که قرآن، با استمداد از سنت یا بطون قرآن با ابزار عقل و علم، مشتمل بر تمام حقایق، نیازها، علوم بشری و الهی، دینی و غیردینی است. پاره‌ای از پژوهشگران، جامعیت حداکثری قرآن را به انضمام ابزار معرفتی دیگری، از جمله عقل، علم، اجماع، سنت و اصول عملیه پذیرفته‌اند.

دیدگاه جامعیت حداقلی تنها آیات قرآن را به رابطه انسان با خدا و آخرت منحصر ساخته و سایر عرصه‌های دیگر فردی و اجتماعی انسان را نفی کرده است.

دیدگاه جامعیت اعتدالی، مسائل دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی انسان را به قرآن و سنت نسبت می‌دهد. با این بیان که قرآن در پاره‌ای از این مسائل، مانند ارکان دین (عقاید، اخلاق و احکام شرعی) به شکل حداکثری و در موارد دیگر به صورت حداقلی بحث کرده است.

مطابق دیدگاه جامعیت حداکثری بر اساس آیه ۸۹ سوره نحل، قرآن بیان‌کننده همه چیز است؛ یعنی همه علوم و حقایق و نیازهای بشری در قرآن موجود است، طرفداران این تفسیر، توجیه و تبیین‌های مختلفی را بیان کرده‌اند. ابوحامد غزالی از طریق ظاهر و باطن و تأویلات قرآنی، جامعیت حداکثری را پذیرفته است. فیض کاشانی، علم حق تعالی، ملائکه، پیامبران و اوصیای الهی به اشیا و موجودات را از سنخ علم به مبادی، اسباب و غایات آن هم به نحو کلی و بسیط و غیر متغیر- نه مانند: علوم تجربی و حسی و متغیر و فاسد شدنی- دانسته‌اند؛ پس معنای آیه «تبیاناً لکل شی» این است که همه علوم و معانی و هر امری، خودش یا مقومات، اسباب، مبادی و غایات آن، در قرآن وجود دارد.

طبرسی در مجمع‌البیان، این تفسیر را به صورت احتمال نقل کرده و جلال‌الدین سیوطی در الاتقان آن را برگزیده است. وی پس از شمردن جمعی از علوم دینی که از قرآن استنباط می‌شود، می‌نویسد: «علوم دیگری از جمله: طب، مناظره، هیئت و هندسه، جبر و مقابله، نجوم و غیر اینها نیز در قرآن است. آلوسی، علوم اول و آخر را به قرآن نسبت داده و علم استخراج این علوم از قرآن را به پیامبر و صحابه نسبت داده‌است؛ حتی ابن‌عباس، افسار گم‌شده شترش را از کتاب خدا می‌جوید.»

احادیث فراوانی در مجامع روایی ذیل آیه ۸۹ سوره نحل وارد شده که بر تفسیر قلمرو حداکثری قرآن دلالت دارند. امام صادق(ع) در یکی از این احادیث، با قسم خوردن به خداوند متعال، علم به آسمان‌ها و زمین و آنچه در بهشت و جهنم و بین آن‌ها است؛ را به خود نسبت می‌دهد و برای اینکه تعجب راوی را پاسخ گوید، سه بار، آیه ۸۹ سوره نحل را تلاوت می‌کند. همچنین در روایت دیگری، علم اهل بیت به آسمان‌ها و زمین و اخبار گذشته و حال را گزارش می‌دهد؛ به گونه‌ای که گویا در کف دست آنها است. امام، این دانش گسترده را نیز به کتاب خداوند نسبت می‌دهد.

دلیل دیگر دیدگاه جامعیت حداکثری قرآن، آیه ۳۸ سوره مبارکه انعام است که می‌فرماید: «ما در کتاب، چیزی را فرو گذار نکردیم.» برخی از مفسران مانند: فیض کاشانی برای اثبات دلالت آیه پیش‌گفته بر نظریه جامعیت حداکثری قرآن، به منابع معتبر شیعی، از جمله: نهج البلاغه تمسک می‌جوید و بر اساس فرمایش امیرمؤمنان، مدلول این آیه را با آیه سوره نحل یکسان دانسته و واژه کتاب را به قرآن حمل نموده است.

دلیل دیگری بر اثبات جامعیت حداکثری اسلام، آیه ۵۹ سوره انعام است که بر وجود هر تر و خشکی در کتاب مبین دلالت دارد. هر چند بیشتر مفسران شیعه و اهل سنت، واژه کتاب مبین را به لوح محفوظ و علم الهی معنا کرده‌اند و مدلول آیه را از محل بحث (جامعیت قرآن) خارج ساخته‌اند.

برخی از مفسران، به آیه ۱۱۱ سوره مبارکه یوسف اشاره کرده و تفصیل هر چیزی و هدایت و رحمت برای گروه مؤمنان را به قرآن نسبت داده‌اند. مفسران، پیرامون معنای آیه شریفه دو احتمال داده‌اند. احتمال نخست آنکه به قصه حضرت یوسف(ع) باز می‌گردد و از محل بحث خارج است و احتمال دوم به معنای قرآن است و تفصیل کل شی، به قرینه «هدی و رحمه» به امور محتاج در دین ارتباط دارد. پس، این آیه هم دلالتی بر قلمرو حداکثری یا حداقلی قرآن ندارد و حلال و حرام و امور مربوط به دین را نظر دارد.

نظریه جامعیت حداقلی اسلام، از سوی پاره‌ای از روشنفکران سکولار معاصر مطرح گردید. طرفداران این دیدگاه، عرف‌گرایی و سکولاریزم را به مثابه ایدئولوژی و جهان‌بینی خاصی تبلیغ کرده و بر جداانگاری دین از عرصه‌های گوناگون اجتماعی، اعم از سیاسی، اقتصادی و ... اصرار ورزیدند. این دیدگاه، جامعیت قرآن را به بیان خداشناسی و آخرت‌شناسی محدود ساخته و مباحث مربوط به نیازهای دنیوی را از گستره قرآن و سنت خارج کردند.

این طایفه، میراث‌خوار سکولاریزم در جهان مسیحیت‌اند که نظریه حداقلی را بر قرآن و سنت تحمیل کرده‌اند. این پدیده در مغرب‌زمین، بیش از آنکه مبتنی بر دلیل باشد؛ زاییده رفتار خشن کلیسا و فساد مالی و اخلاقی کشیشان و نهضت رفرمیسم و فقر و ناتوانی کلیسا در پاسخ به شبهات کلامی و فلسفی و رشد علم و صنعت بوده است. دیدگاه جامعیت حداقلی اسلام، با دلایل عقلی و نقلی فراوانی نقدپذیر است. مراجعه به عقل و آیات قرآنی و روایت معصومان نشان می‌دهد که آموزه‌های اسلامی بیانگر چهار نوع رابطه انسان با خود، انسان با خدا، انسان با طبیعت و انسان با جامعه است.